

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقریرات درس خارج اصول

### حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرّسی طباطبائی نیرودی دامت برکاته

دوره‌ی دوم - سال نهم - سال تحصیلی ۹۱-۹۲

جلسه ۶۹ - سه شنبه ۹۱/۱۲/۸

#### برهان دوم محقق نائینی رحمته الله علیه در عدم اجرای اصل طولی نافی

اگر فرض کنیم اصل محکوم جاری گردد لازمه‌اش عدم جریان آن خواهد بود و مصداقی از این قاعده است که: «ما یستلزم من وجوده عدمه فهو محال» در ما نحن فیه جریان اصل محکوم مستلزم عدم جریان آن است و لذا جریان اصل محکوم، محال است.

#### بیان مطلب

اصل محکوم در صورتی جریان پیدا می‌کند که اصل حاکم ساقط شده باشد؛ در مثال مذکور زمانی قاعده‌ی طهارت در إناء شرقی جاری می‌شود که استصحاب طهارت ساقط شده باشد و سقوط استصحاب طهارت متفرع بر تنجیز علم اجمالی است؛ زیرا تا علم اجمالی منجز نباشد استصحاب طهارت ساقط نمی‌شود. اکنون با جریان اصل طولی، علم اجمالی از تنجیز ساقط می‌شود و این به معنای آن است که مانع اجرای اصل حاکم (استصحاب طهارت) از بین رفته است، در نتیجه اصل حاکم زنده می‌شود و با بازگشت اصل حاکم، اصل محکوم ساقط خواهد شد.

بنابراین از جریان اصل محکوم، عدم جریان آن لازم می‌آید و ما یستلزم من وجوده عدمه محال.

#### نقد و بررسی برهان دوم محقق نائینی رحمته الله علیه

اینکه فرمودند اصل محکوم زمانی فرصت جریان می‌یابد که اصل حاکم ساقط شده باشد، سخن صحیحی است و نیز اینکه بیان شد اصل حاکم زمانی ساقط می‌شود که علم اجمالی وجود داشته باشد

فرمایشی صحیح است، اما حداقل بنا بر مبنای محقق نائینی رحمته الله علیه (چه رسد به مبنای مختار) علم اجمالی به تنهایی موجب تنجز معلوم نمی‌گردد بلکه با ضمیمه‌ی مقدماتی تنجز می‌آورد از جمله قبح ترجیح بلامرجح؛ و بنا بر مبنای مختار، ملاک منجزیت علم اجمالی آن است که جریان اصل مؤمن در هر دو طرف استهجان عرفی داشته باشد به نحوی که قرینه شود بر عدم شمول دلیل اصل نسبت به همه‌ی اطراف.

بنابراین سقوط اصل حاکم (استصحاب طهارت) متفرع است بر قبح ترجیح بلامرجح و حکم عرف به قبح جریان اصل مؤمن در تمام اطراف با وجود علم اجمالی، اما بعد از آنکه دو اصل عرضی ساقط شدند و مانع اصل محکوم از بین رفت و اصل محکوم زنده شد گرچه علم اجمالی موجود است اما ضمیمه‌ی علم اجمالی یعنی قبح ترجیح بلامرجح وجود ندارد؛ به دلیل آنکه علی‌الفرض اصل محکوم تنها در یک طرف جاری می‌شود و دیگر استهجان عرفی و یا محذور عقلی مخالفت قطعی با معلوم نیز وجود نخواهد داشت. در نتیجه این برهان محقق نائینی رحمته الله علیه علی‌رغم ظاهر فنی آن، به مراتب ضعیف‌تر از برهان اول ایشان است.

### **کلام سید خویی رحمته الله علیه در جریان اصول نافی (قول به تفصیل)**

ایشان به تفصیل در این باب سخن گفته‌اند<sup>۱</sup> که جهت اختصار، چکیده‌ی فرمایش ایشان را بیان می‌کنیم. همان‌گونه که ذکر شد دو اصل عرضی، یا متسانخ و یا غیر متسانخ می‌باشند. در جایی که دو اصل عرضی متسانخ هستند اگر بعض اطراف دارای اصل طولی باشد آن اصل جاری می‌گردد و اگر هر دو طرف دارای اصل طولی باشند ولی یکی مثبت و دیگری نافی باشد باز اصل طولی نافی جاری خواهد بود. و اما اگر اصول عرضیه غیر متسانخ باشند اگر اصول طولی در مؤدّی با اصل عرضی مذکور واحد باشد اصل طولی جاری نخواهد بود، ولی اگر اصل طولی در مؤدّی مخالف اصول عرضیه باشد جاری خواهد بود.

### **توضیح در قالب مثال**

۱- موردی که اصول عرضیه متسانخ هستند و تنها یک طرف دارای اصل طولی نافی است مانند: علم اجمالی به إصابت نجس به ظرف آب یا لباس، که اصل عرضی در دو طرف قاعده‌ی طهارت است (زیرا فرضاً حالت سابقه معلوم نیست) و این دو اصل ساقط می‌شوند، ولی یک طرف یعنی إناء آب دارای اصل طولی یعنی قاعده‌ی حلیت است به‌خلاف لباس که دارای اصل حلیت نیست؛ چون حتی اگر نجس باشد پوشیدن آن حرمتی ندارد. بنابراین می‌توان در ظرف آب که از حیث شرب مشکوک‌الحلیه است قاعده‌ی

۱. مصباح الاصول، ج ۱، ص ۲۵۶

حلیت را بدون مزاحم جاری ساخت.

باید توجه داشت از آنجا که شک در حلیت آب ناشی از شک در طهارت و نجاست آب بوده است، اگر به کمک اصلی توانستیم طهارت یا نجاست آب را مشخص کنیم نوبت به قاعده‌ی حلیت نخواهد رسید. بنابراین پس از آنکه نتوانستیم قاعده‌ی طهارت را جاری کنیم می‌توانیم به قاعده‌ی حلیت تمسک کنیم، لذا قاعده‌ی حلیت در اینجا در طول قاعده‌ی طهارت است.

۲- موردی که دو اصل عرضی متساخ هستند و هر دو طرف دارای اصل طولی می‌باشند اما یکی مثبت تکلیف و دیگری نافی است مانند اینکه: اگر مکلفی بعد از ایتیان نماز مغرب و عشاء یقین کند یا رکوعی در نماز مغرب اضافه کرده است و یا رکوعی در نماز عشاء کم کرده است، در این حالت اصل عرضی در دو طرف قاعده‌ی فراغ است که ساقط خواهد شد؛ زیرا می‌دانیم یا رکوعی در نماز مغرب اضافه شده یا در نماز عشاء رکوعی کم شده است. با سقوط این دو اصل عرضی نوبت به اصل طولی یعنی استصحاب عدم زیاده‌ی رکوع در نماز مغرب و نیز استصحاب عدم ایتیان رکوع لازم در نماز عشاء می‌رسد. استصحاب عدم زیاده در نماز مغرب، نافی تکلیف است و استصحاب عدم ایتیان رکوع لازم در نماز عشاء مثبت تکلیف است. در این فرض سید خوئی رحمته الله علیه معتقد است اصل نافی تکلیف جاری است.

مقرر: سید حامد طاهری